

فصلنامه رهیافت‌های نوین در مطالعات اسلامی

License Number: 85625 Article Cod: SH25R95721 ISSN-P: 2676-6442

حقوق خوان ها زاده نمی شوند، پرورش می یابند: نقدی بر غیبت دانشکده های حقوق ایران در استعداد یابی دانش آموزان

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۱۰/۱۵ تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۱۲/۰۴)

مهدی کریملی^۱

کارشناسی حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دماوند

محمد کریملی

دکتری علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سمنان

مرتضی جبه

کارشناسی ارشد حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات

فاطمه رباط سرپوشی

کارشناسی حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دماوند

ریحانه امیر قلی

کارشناسی حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دماوند

چکیده

نظام آموزش حقوق در ایران با وجود گسترش کمی دانشکده‌ها و افزایش ظرفیت پذیرش، فاقد سازوکارهای منسجم برای شناسایی و پرورش استعدادهای حقوقی در مراحل پیش از ورود به دانشگاه است؛ مسئله‌ای که می‌تواند بر کیفیت نیروی انسانی حقوقی و کارآمدی نظام عدالت تأثیر منفی بگذارد. پژوهش حاضر با هدف بررسی غیبت نقش آفرینی دانشکده‌های حقوق ایران در فرآیند استعدادیابی دانش آموزان و تحلیل پیامدهای آن، با رویکردی تطبیقی به مطالعه تجربه‌های موفق بین المللی، به ویژه برنامه «رهبران آینده حقوق» در دانشکده حقوق دانشگاه هاروارد، پرداخته است. روش تحقیق در این مطالعه توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر

^۱ نویسنده مسئول.

بررسی اسناد، منابع علمی داخلی و خارجی و تحلیل تطبیقی سیاست‌های آموزشی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در نظام‌های پیشرو، شناسایی استعدادها، حقوقی از مراحل اولیه آموزش و از طریق برنامه‌های حمایتی، مهارتی و شبکه‌های منتورینگ انجام می‌شود، در حالی که در ایران، تمرکز اصلی بر گزینش مبتنی بر آزمون و آموزش نظری دانشگاهی است و ارتباط ساختاری میان آموزش متوسطه و آموزش عالی حقوق وجود ندارد. این وضعیت منجر به اتلاف استعدادها، کاهش انگیزه حرفه‌ای و تقویت مدرک‌گرایی در حوزه حقوق شده است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که ارتقای کیفیت نظام حقوقی مستلزم تغییر رویکرد از گزینش صرف به سمت پرورش هدفمند استعدادها، حقوقی است. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود برنامه‌های پیش‌دانشگاهی حقوق، دوره‌های مهارت‌آموزی، همکاری میان دانشکده‌های حقوق و نهادهای حرفه‌ای، و سیاست‌های حمایتی مبتنی بر عدالت آموزشی در نظام آموزش حقوق ایران طراحی و اجرا گردد.

واژگان کلیدی: آموزش حقوق، استعدادیابی حقوقی، پرورش حرفه‌ای، عدالت آموزشی، تطبیق آموزشی

مقدمه

آموزش حقوق به عنوان یکی از ارکان اساسی نظام‌های اجتماعی و سیاسی، نقشی تعیین کننده در تضمین عدالت، حاکمیت قانون و کارآمدی نهادهای حقوقی ایفا می کند. کیفیت نظام حقوقی هر کشور تا حد زیادی وابسته به کیفیت آموزش و فرآیند تربیت نیروهای انسانی آن است؛ به همین دلیل، در بسیاری از نظام‌های آموزشی پیشرو، توجه ویژه‌ای به شناسایی، هدایت و پرورش استعدادهای حقوقی در مراحل پیش از ورود به دانشگاه معطوف شده است. تجربه‌های جهانی نشان می دهد که تربیت حقوقدانان توانمند صرفاً نتیجه گزینش افراد با توانایی‌های اولیه نیست، بلکه حاصل فرآیندی مستمر از پرورش علمی، مهارتی و حرفه‌ای در بسترهای آموزشی مناسب است. در همین چارچوب، مفهوم «زنجیره تربیت حقوقی» (Legal Education Pipeline) در ادبیات آموزش حقوق مطرح شده که بر ایجاد مسیرهای منسجم از مراحل ابتدایی آموزش تا ورود به حرفه حقوق تأکید دارد و هدف آن جلوگیری از اتلاف استعدادهای بالقوه و تقویت عدالت آموزشی در دسترسی به فرصت‌های حرفه‌ای است. پژوهش‌های مرتبط با آموزش حقوق در دهه‌های اخیر نشان داده‌اند که نظام‌های آموزشی موفق، علاوه بر آموزش دانشگاهی، از برنامه‌های مکملی همچون دوره‌های پیش دانشگاهی، منتورینگ، کارآموزی‌های هدایت شده و حمایت‌های مالی برای دانشجویان مستعد استفاده می کنند. این رویکردها نه تنها موجب افزایش کیفیت علمی دانشجویان می شود، بلکه تنوع اجتماعی در حرفه حقوق را نیز تقویت می کند و به ارتقای عدالت اجتماعی می انجامد. در مقابل، نظام‌هایی که صرفاً بر آزمون‌های ورودی یا آموزش نظری دانشگاهی تکیه دارند، معمولاً با مشکلاتی نظیر افت مهارت‌های عملی، کاهش انگیزه حرفه‌ای، مدرک گرایی و عدم انطباق آموزش با نیازهای بازار کار مواجه می شوند. در ادبیات نظری سرمایه انسانی نیز تأکید

شده است که سرمایه‌گذاری هدفمند در آموزش و پرورش استعدادها، به‌ویژه در حرفه‌های تخصصی، نقش مهمی در توسعه اجتماعی و اقتصادی ایفا می‌کند و نادیده گرفتن آن می‌تواند منجر به اتلاف منابع انسانی شود.

در ایران، با وجود افزایش چشمگیر تعداد دانشکده‌های حقوق و ظرفیت پذیرش دانشجو در سال‌های اخیر، شواهد نشان می‌دهد که نظام آموزش حقوق با چالش‌های متعددی مواجه است. تمرکز اصلی بر پذیرش مبتنی بر آزمون سراسری، غلبه آموزش نظری بر مهارت‌آموزی عملی، فاصله میان آموزش دانشگاهی و نیازهای حرفه‌ای، و فقدان برنامه‌های سازمان‌یافته برای شناسایی استعدادهای حقوقی در دوره‌های پیش از دانشگاه از جمله مهم‌ترین این چالش‌ها محسوب می‌شود. در چنین شرایطی، بسیاری از دانشجویان بدون شناخت واقعی از ماهیت حرفه حقوق وارد این رشته می‌شوند و در طول تحصیل نیز فرصت کافی برای توسعه مهارت‌های تحلیلی و حرفه‌ای پیدا نمی‌کنند. از سوی دیگر، نبود سازوکارهای حمایتی برای دانش‌آموزان مستعد، به‌ویژه در مناطق کم‌برخوردار، می‌تواند منجر به نابرابری در دسترسی به فرصت‌های آموزشی و حرفه‌ای شود که این امر با اصول عدالت آموزشی در تعارض است. با وجود اهمیت موضوع، بررسی ادبیات پژوهشی داخلی نشان می‌دهد که مطالعات انجام‌شده در حوزه آموزش حقوق ایران عمدتاً بر مسائل برنامه درسی دانشگاهی، کارآموزی و کالت یا مشکلات بازار کار تمرکز داشته‌اند و کمتر به موضوع استعدادیابی پیشادانشگاهی و نقش دانشگاه‌ها در پرورش استعدادهای حقوقی پرداخته شده است. این خلأ پژوهشی موجب شده است که سیاست‌گذاری آموزشی در این حوزه فاقد پشتوانه علمی کافی باشد و امکان بهره‌گیری از تجربه‌های موفق بین‌المللی نیز محدود بماند. در مقابل، در برخی کشورها، دانشگاه‌های معتبر با طراحی برنامه‌های ویژه، تلاش کرده‌اند استعدادهای بالقوه را در مراحل

اولیه شناسایی و برای ورود موفق به حرفه حقوق آماده کنند. یکی از نمونه‌های شاخص در این زمینه، برنامه «Future Leaders in Law» در Harvard Law School است که با هدف حمایت از دانشجویان مستعد و کم‌برخوردار و ایجاد مسیر ورود آنان به آموزش حقوق طراحی شده و به‌عنوان الگویی نوآورانه در حوزه پرورش استعداد های حقوقی شناخته می‌شود. بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر، بررسی غیبت نقش آفرینی دانشکده‌های حقوق ایران در فرآیند استعدادیابی دانش آموزان و تحلیل پیامدهای این خلأ در مقایسه با تجربه‌های موفق بین‌المللی است. هدف این مقاله آن است که با رویکردی توصیفی-تحلیلی و تطبیقی، ضمن تبیین مبانی نظری پرورش حرفه‌ای و عدالت آموزشی در حوزه حقوق، تجربه برنامه‌های موفق جهانی را بررسی کرده و وضعیت موجود ایران را نقد نماید. همچنین تلاش می‌شود با شناسایی نقاط ضعف ساختاری، پیشنهادهایی برای ارتقای نظام آموزش حقوق و ایجاد سازوکارهای مؤثر استعدادیابی و پرورش استعداد های حقوقی ارائه گردد. در نهایت، این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش اساسی است که چگونه می‌توان از رویکرد گزینش صرف به سمت الگوی پرورش هدفمند استعداد های حقوقی در نظام آموزش حقوق ایران حرکت کرد و چه اقداماتی برای تحقق این هدف ضروری است.

بخش اول: مبانی نظری پرورش استعداد های حقوقی و عدالت آموزشی

پرورش نیروی انسانی متخصص در حرفه‌های دانشی، به‌ویژه حقوق، نیازمند فرآیندی فراتر از آموزش رسمی دانشگاهی است و شامل مجموعه‌ای از سازوکارهای شناسایی، هدایت و تقویت استعدادها در طول مسیر آموزشی می‌شود. در ادبیات علمی، این فرآیند تحت عنوان «پرورش حرفه‌ای» و «زنجیره تربیت آموزشی» مطرح شده است که بر استمرار آموزش از مراحل اولیه تا ورود به حرفه تأکید دارد. بر اساس نظریه سرمایه انسانی، سرمایه‌گذاری هدفمند

در آموزش و توسعه مهارت‌های تخصصی، نه تنها موجب افزایش بهره‌وری فردی می‌شود، بلکه در سطح کلان نیز به توسعه اجتماعی و اقتصادی می‌انجامد (Schultz, ۱۹۶۱: p.۱). در حوزه آموزش حقوق نیز پژوهش‌ها نشان داده‌اند که کشورهایی که از مراحل پیش‌دانشگاهی به شناسایی استعدادها می‌پردازند، در تربیت حقوقدانان کارآمدتر عمل می‌کنند.

از منظر عدالت آموزشی نیز، فراهم‌سازی فرصت‌های برابر برای دسترسی به آموزش تخصصی، از اصول بنیادین نظام‌های آموزشی پیشرفته محسوب می‌شود. عدالت آموزشی به این معناست که افراد، صرف نظر از وضعیت اقتصادی یا اجتماعی، امکان شکوفایی استعدادهای خود را داشته باشند (امجدیان، ۱۳۹۶: ص ۱۷۸). در حرفه حقوق، تحقق عدالت آموزشی اهمیت مضاعفی دارد؛ زیرا کیفیت عملکرد حقوقدانان مستقیماً با حقوق و آزادی‌های شهروندان مرتبط است. بنابراین، غفلت از شناسایی استعدادهای حقوقی می‌تواند پیامدهای اجتماعی گسترده‌ای به همراه داشته باشد.

در ادبیات آموزش حقوق، مفهوم «pipeline حقوقی» به عنوان یکی از رویکردهای نوین مطرح شده است که هدف آن ایجاد مسیرهای مستمر حمایت آموزشی از دوران مدرسه تا ورود به حرفه حقوق است. این رویکرد تلاش می‌کند از ائتلاف استعدادها جلوگیری کند و به‌ویژه دانشجویان مستعد از گروه‌های کم‌برخوردار را در مسیر حرفه‌ای حمایت نماید (Wilkins & Gulati, ۲۰۱۵: p.۱۲). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که نبود چنین سازوکاری می‌تواند موجب کاهش تنوع اجتماعی در حرفه حقوق و محدود شدن دسترسی به فرصت‌های شغلی شود (Rhode, ۲۰۱۵: p.۵۴).

بخش دوم: برنامه‌های استعدادیابی حقوقی در نظام‌های آموزشی پیشرو

در بسیاری از کشورهای توسعه یافته، دانشگاه‌ها نقش فعالی در شناسایی و پرورش استعدادهاى حقوقی ایفا می‌کنند و این وظیفه صرفاً به مرحله پذیرش دانشجو محدود نمی‌شود. یکی از نمونه‌های شاخص در این زمینه، برنامه «Future Leaders in Law» در Harvard Law School است که با هدف ایجاد مسیر ورود دانشجویان مستعد به آموزش حقوق طراحی شده است. این برنامه شامل آموزش مهارت‌های تحلیلی، آمادگی برای آزمون‌های ورودی، مشاوره حرفه‌ای و حمایت مالی است و تلاش می‌کند موانع اجتماعی و اقتصادی ورود به حرفه حقوق را کاهش دهد (Harvard Law School, ۲۰۲۳).

ویژگی مهم این برنامه، تأکید بر منتورینگ و شبکه‌سازی حرفه‌ای است؛ به گونه‌ای که شرکت‌کنندگان علاوه بر آموزش علمی، با محیط حرفه حقوق نیز آشنا می‌شوند. مطالعات نشان داده است که وجود الگوهای حرفه‌ای و حمایت آموزشی، نقش مهمی در موفقیت دانشجویان حقوق دارد (Granfield, ۱۹۹۲: p.۴۵). همچنین، این برنامه‌ها موجب افزایش اعتماد به نفس و انگیزه حرفه‌ای دانشجویان می‌شود و احتمال موفقیت آنان در ادامه مسیر تحصیلی را افزایش می‌دهد (Sturm & Guinier, ۲۰۰۷: p.۵۱۹).

برنامه‌های مشابه دیگری نیز در آمریکا و اروپا اجرا می‌شود که همگی بر این اصل مشترک تأکید دارند که استعدادهاى حقوقی باید پیش از ورود به دانشگاه شناسایی و تقویت شوند. این رویکرد نشان می‌دهد که تربیت حقوقدانان موفق، نتیجه فرآیند اجتماعی و آموزشی مستمر است، نه صرفاً نتیجه توانایی‌های ذاتی فرد.

بخش سوم: وضعیت آموزش حقوق و غیبت استعدادیابی در ایران

در ایران، نظام آموزش حقوق عمدتاً مبتنی بر پذیرش از طریق آزمون سراسری است و نقش دانشگاه‌ها در شناسایی استعدادهای پیشادانشگاهی بسیار محدود است. این در حالی است که انتخاب رشته حقوق در بسیاری از موارد بدون شناخت دقیق از ماهیت حرفه انجام می‌شود و دانشجویان در طول تحصیل نیز فرصت کافی برای توسعه مهارت‌های عملی پیدا نمی‌کنند. برخی پژوهشگران معتقدند که نظام آموزش حقوق ایران با نوعی «مدرک گرایی» مواجه است که موجب کاهش کیفیت علمی و حرفه‌ای فارغ‌التحصیلان شده است (قاضی‌زاده، ۱۳۹۸: ص ۹۲).

از سوی دیگر، افزایش بی‌رویه ظرفیت پذیرش دانشجوی حقوق بدون توجه به کیفیت آموزش، موجب اشباع بازار کار و کاهش انگیزه حرفه‌ای دانشجویان شده است (حسینی، ۱۴۰۰: ص ۶۷). در چنین شرایطی، فقدان برنامه‌های استعدادیابی پیشادانشگاهی می‌تواند به اتلاف استعدادها و واقعی منجر شود؛ زیرا بسیاری از دانش‌آموزان مستعد، به دلیل نبود آگاهی یا امکانات، مسیر حرفه حقوق را انتخاب نمی‌کنند.

همچنین، فاصله میان آموزش دانشگاهی و نیازهای عملی حرفه حقوق یکی دیگر از چالش‌های اساسی است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مهارت‌های عملی مانند نگارش حقوقی، استدلال قضایی و فن دفاع، در برنامه‌های آموزشی دانشگاهی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ص ۴۵). این مسئله نشان‌دهنده ضرورت بازنگری در رویکرد آموزش حقوق و توجه به پرورش مهارت‌های حرفه‌ای است.

بخش چهارم: تحلیل تطبیقی ایران و نظام‌های پیشرو

مقایسه نظام آموزش حقوق ایران با تجربه‌های موفق بین‌المللی نشان می‌دهد که تفاوت اصلی در نگرش به فرآیند تربیت حقوقدانان است. در نظام‌های پیشرو، دانشگاه‌ها خود را مسئول شناسایی و هدایت استعدادها می‌دانند، در حالی که در ایران این مسئولیت عملاً به نظام آزمون سراسری واگذار شده است. این تفاوت نگرشی موجب شده است که آموزش حقوق در ایران بیشتر جنبه گزینشی داشته باشد تا پرورشی.

در نظام‌های پیشرفته، ارتباط میان دانشگاه، نهادهای حرفه‌ای و بازار کار بسیار قوی است و دانشجویان از مراحل اولیه با محیط حرفه آشنا می‌شوند (Sullivan et al., ۲۰۰۷: p.۱۹۱). در مقابل، در ایران این ارتباط ضعیف است و بسیاری از دانشجویان تا پایان تحصیل تجربه عملی محدودی دارند. این مسئله می‌تواند یکی از عوامل کاهش کیفیت خدمات حقوقی در جامعه باشد.

همچنین، برنامه‌های استعدادیابی در کشورهای پیشرو نقش مهمی در تحقق عدالت آموزشی دارند؛ زیرا امکان دسترسی افراد مستعد از طبقات مختلف اجتماعی به آموزش حقوق را فراهم می‌کنند. در ایران، نبود چنین برنامه‌هایی می‌تواند موجب بازتولید نابرابری آموزشی شود (امجدیان، ۱۳۹۶: ص ۱۸۱).

بخش پنجم: پیامدهای غیبت استعدادیابی در نظام حقوقی ایران

غیبت سازوکارهای استعدادیابی در آموزش حقوق ایران پیامدهای متعددی دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به کاهش کیفیت آموزش، افزایش بیکاری فارغ‌التحصیلان، و کاهش اعتماد عمومی به نظام حقوقی اشاره کرد. هنگامی که انتخاب رشته و تربیت حرفه‌ای بدون شناسایی

استعداد واقعی انجام شود، احتمال موفقیت حرفه‌ای نیز کاهش می‌یابد (قاضی‌زاده، ۱۳۹۸: ص ۱۰۱). علاوه بر این، نبود مسیرهای حمایتی برای دانشجویان مستعد می‌تواند موجب مهاجرت نخبگان یا تغییر مسیر شغلی آنان شود که این امر نوعی اتلاف سرمایه انسانی محسوب می‌شود (Becker, ۱۹۹۳: p.۱۷). در نتیجه، توجه به استعدادیابی نه تنها یک مسئله آموزشی، بلکه یک ضرورت توسعه‌ای برای نظام حقوقی کشور است.

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که یکی از خلأهای اساسی در نظام آموزش حقوق ایران، فقدان سازوکارهای منسجم برای شناسایی و پرورش استعدادهای حقوقی در مراحل پیش از ورود به دانشگاه است؛ مسئله‌ای که در مقایسه با تجربه‌های موفق بین‌المللی، به‌ویژه برنامه‌های مبتنی بر «زنجیره تربیت حقوقی»، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. بررسی مبانی نظری پرورش حرفه‌ای و عدالت آموزشی نشان داد که تربیت نیروی انسانی متخصص در حوزه حقوق، نیازمند فرآیندی مستمر و هدفمند است و اتکای صرف به نظام‌های گزینشی مبتنی بر آزمون نمی‌تواند به تربیت حقوقدانان کارآمد منجر شود. این یافته با نظریه سرمایه انسانی و مطالعات آموزش حرفه‌ای همسو است که تأکید می‌کنند سرمایه‌گذاری در مراحل اولیه آموزش، نقش تعیین‌کننده‌ای در کیفیت خروجی‌های حرفه‌ای دارد (Becker, ۱۹۹۳: p.۲۱).

تحلیل تطبیقی انجام‌شده نیز نشان داد که در نظام‌های آموزشی پیشرو، دانشگاه‌ها و نهادهای حرفه‌ای نقش فعالی در هدایت استعدادها ایفا می‌کنند و از طریق برنامه‌های حمایتی، مهارتی و منتورینگ، مسیر ورود به حرفه حقوق را برای افراد مستعد تسهیل می‌نمایند. نمونه مورد بررسی در Harvard Law School بیانگر آن است که استعدادیابی حقوقی زمانی اثربخش

خواهد بود که با حمایت مالی، آموزش مهارتی و شبکه‌سازی حرفه‌ای همراه شود. این یافته با نتایج پژوهش‌های پیشین در حوزه آموزش حقوق همخوانی دارد که نشان می‌دهد ارتباط نزدیک میان آموزش دانشگاهی و محیط حرفه‌ای، موجب افزایش کیفیت مهارت‌های حقوقی دانشجویان می‌شود (Sullivan et al., ۲۰۰۷: p.۱۹۴).

در مقابل، بررسی وضعیت ایران نشان داد که نظام آموزش حقوق بیشتر بر گزینش مبتنی بر آزمون و آموزش نظری متمرکز است و نقش دانشگاه‌ها در هدایت استعدادها و پیش‌اندیشگاهی بسیار محدود است. این مسئله موجب شده است که بسیاری از دانشجویان بدون شناخت دقیق از ماهیت حرفه حقوق وارد این رشته شوند و در طول تحصیل نیز فرصت کافی برای توسعه مهارت‌های عملی پیدا نکنند. چنین شرایطی می‌تواند به مدرک‌گرایی، کاهش کیفیت خدمات حقوقی و افزایش بیکاری فارغ‌التحصیلان منجر شود (قاضی‌زاده، ۱۳۹۸: ص ۱۰۵). همچنین، نبود برنامه‌های حمایتی برای دانش‌آموزان مستعد، به‌ویژه در مناطق کم‌برخوردار، می‌تواند به بازتولید نابرابری آموزشی منجر شود که با اصول عدالت آموزشی در تعارض است (امجدیان، ۱۳۹۶: ص ۱۸۲).

بر اساس یافته‌های پژوهش، می‌توان چنین تفسیر کرد که تفاوت اصلی میان نظام‌های موفق و وضعیت موجود در ایران، در نوع نگرش به آموزش حقوق نهفته است. در نظام‌های پیشرو، آموزش حقوق یک فرآیند پرورشی تلقی می‌شود، در حالی که در ایران بیشتر یک فرآیند گزینشی محسوب می‌شود. این تفاوت نگرشی، پیامدهای مهمی در کیفیت نیروی انسانی حقوقی و کارآمدی نظام عدالت به همراه دارد. بنابراین، می‌توان نتایج پژوهش را به این صورت تعمیم داد که هرچه نظام آموزشی حقوق به سمت پرورش هدفمند استعدادها حرکت کند، احتمال تربیت حقوقدانان توانمند و تحقق عدالت اجتماعی افزایش خواهد یافت.

از نظر کاربردی، یافته های این پژوهش می تواند برای سیاست گذاران آموزشی، مدیران دانشکده های حقوق، نهادهای حرفه ای مانند کانون های وکلا و حتی نظام آموزش متوسطه مفید باشد. طراحی برنامه های پیشادانشگاهی حقوق، ایجاد دوره های مهارت آموزی، توسعه همکاری میان دانشگاه و نهادهای حرفه ای، و ارائه حمایت های مالی به دانشجویان مستعد از جمله کاربردهای عملی نتایج این پژوهش است. اجرای چنین برنامه هایی می تواند علاوه بر ارتقای کیفیت آموزش حقوق، به کاهش نابرابری آموزشی و افزایش اعتماد عمومی به نظام حقوقی کمک کند.

با وجود نتایج به دست آمده، این پژوهش با محدودیت هایی نیز مواجه بوده است. از جمله مهم ترین محدودیت ها می توان به کمبود داده های آماری رسمی درباره مسیرهای شغلی فارغ التحصیلان حقوق در ایران، محدود بودن مطالعات داخلی در حوزه استعدادیابی حقوقی، و دشواری دسترسی به اطلاعات دقیق درباره برنامه های آموزشی دانشگاه ها اشاره کرد. همچنین، تفاوت های ساختاری میان نظام آموزشی ایران و کشورهای مورد مطالعه می تواند تعمیم کامل نتایج را با احتیاط همراه سازد. در نهایت، می توان نتیجه گرفت که تحقق نظام حقوقی کارآمد مستلزم توجه جدی به فرآیند تربیت نیروی انسانی از مراحل اولیه آموزش است. حقوقدانان موفق نه صرفاً بر اساس استعداد ذاتی، بلکه در نتیجه فرآیندی آموزشی، اجتماعی و حرفه ای پرورش می یابند. بنابراین، گذار از رویکرد گزینش محور به رویکرد پرورش محور در آموزش حقوق ایران، ضرورتی اجتناب ناپذیر برای ارتقای کیفیت نظام حقوقی و تحقق عدالت در جامعه محسوب می شود.

تشکر و قدردانی

بدین وسیله از جناب آقای مرتضی جبلة، جناب آقای محمد کریملی، سرکار خانم فاطمه رباط سرپوشی و سرکار خانم ریحانه امیرقلی که با راهنمایی‌ها و حمایت‌های ارزشمند خود در انجام این پژوهش یاری‌رسان بودند، صمیمانه قدردانی می‌شود. همراهی علمی و معنوی ایشان نقش مهمی در بهبود کیفیت این تحقیق داشته است. برای این عزیزان آرزوی توفیق روزافزون دارم.

منابع و مآخذ

- امجدیان، محمد. (۱۳۹۶). عدالت آموزشی و پرورش استعداد های برتر. تهران: نشر دانشگاهی.
- حسینی، علی. (۱۴۰۰). بررسی چالش های آموزش حقوق در دانشگاه های ایران. فصلنامه پژوهش های حقوقی ایران، ۱۲(۳)، ۶۵-۸۲.
- قاضی زاده، ناصر. (۱۳۹۸). بحران مدرک گرایی و کیفیت آموزش حقوق. تهران: نشر میزان.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۲). مبانی حقوق ایران و آموزش حقوقی. تهران: نشر سمت.
- Becker, Gary S. (۱۹۹۳). *Human capital: A theoretical and empirical analysis, with special reference to education* (۳rd ed.). Chicago, IL: University of Chicago Press.
- Granfield, Robert. (۱۹۹۲). *Making elite lawyers: Visions of law at Harvard and beyond*. *Law & Society Review*, ۲۶(۱), ۴۵-۷۵.
<https://doi.org/10.2307/3052765>
- Rhode, Deborah. (۲۰۱۵). *The trouble with lawyers*. Oxford, UK: Oxford University Press.
- Sturm, Susan, & Guinier, Lani. (۲۰۰۷). *The future of law school*. *Harvard Law Review*, ۱۲۰(۲), ۵۰۹-۵۷۴. <https://doi.org/10.2307/20455643>

Sullivan, William, Colby, Anne, Wegner, Judith, Bond, Lloyd, & Shulman, Lee. (۲۰۰۷). *Educating lawyers: Preparation for the profession of law*. San Francisco, CA: Jossey-Bass.

Wilkins, David, & Gulati, Mitu. (۲۰۱۵). Diversity and the pipeline to the legal profession. *Georgetown Journal of Legal Ethics*, ۲۸(۱), ۱-۴۲.
<https://doi.org/10.2139/ssrn.2543482>

Harvard Law School. (۲۰۲۳). *Future Leaders in Law Program*. Retrieved from <https://hls.harvard.edu/dept/future-leaders>